

استقبال از سال نو و عید نوروز

در شیرین سو کبودرآهنگ (همدان)

اسدالله طاقتی احسن^۱

جشن‌ها و آیین‌ها، معرف هویت ملی و دینی هر ملت هستند و هر مراسمی بیانگر علائق، سلیقه‌ها و فرهنگ و آداب و رسوم آن ملت به شمار می‌رود. استقبال از نوروز و عید نوروز، یکی از این آیین‌های مهم در بین ایرانی‌هاست. این جشن که با آغاز فصل بهار و بیداری طبیعت آغاز می‌شود و از فرهنگ ملی ما سرچشمه گرفته است، در شیرین سو استان همدان نیز مانند دیگر مناطق ایران، با مراسم مختلفی همراه است. با فرارسیدن سال نو و عید نوروز که شور

۱. اسدالله طاقتی احسن از فرهنگیاران پرتلاش فرهنگ مردم در شیرین سو کبودرآهنگ استان همدان است که از دهه ۵۰ شروع به گردآوری فرهنگ مردم دیار خود کرده است. ایشان درباره زندگی و نحوه آشنایی خود با فرهنگ مردم چنین می‌نویسد:

«در تاریخ ۱۳۳۷/۶/۴ در خانواده‌ای اصیل و مذهبی به دنیا آمدم، از کودکی عشق و علاقه وافری به فرهنگ زادگاهم داشتم و همواره به رشد و ترقی آن عشق می‌ورزیدم که این امر با انتخاب شغل معلمی در رشته فرهنگ و ادب، و همکاری با برنامه فرهنگ مردم میسر شد. از تیرماه ۱۳۵۵ با راهنمایی و ارشاد استاد بزرگوار انجوی شیرازی (نجوا) مشغول جمع‌آوری آداب و رسوم زادگاهم شدم و مطالب زیادی در این زمینه به مرکز فرهنگ مردم ارسال کردم. اولین مطلب من، در رابطه با خورشید و ماه، در برنامه سه‌شنبه شب ۵۶/۱۰/۲۷ ساعت ۹/۲۰ پخش شد. پخش این مطلب، انگیزه‌ای برای همکاری ۴۰ ساله فراهم کرد». مقاله حاضر از سوی شایسته بهرامی سامانی تنظیم شده است.

❖ ۱۶۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

و حال خاصی بین مردم به وجود می‌آورد، مردم نیز همراه با طبیعت، با همدلی و صمیمیت سال جدید را جشن می‌گیرند. در این نوشتار برخی آداب و سنن این منطقه معرفی می‌گردد:

● چهارشنبه آخر سال

در شیرین سو به چهارشنبه آخر سال، کوله چارشنبه (kola 9r rabeh) به معنی چهارشنبه کوتاه و کوچک می‌گویند. در این روز، مردم، گندم، جو و نخود را بو می‌دادند و ناهار مفصلی درست می‌کردند و هنگام ظهر لب پشت بام قالیچه‌ای می‌انداختند و ناهار و چای و شیرینی میل می‌کردند. عصر هنگام نیز هیزم‌های از قبل آماده شده را به همراه یک جارو روی بام می‌بردند و آتش می‌زدند. مرد خانه، جاروی آتش زده را به شکل دایره در کنارش می‌چرخاند و می‌گفت:

sâyâ mâyâ qâdâ bâlâ سایا، مایا، قادا، بالا

سایا، مایا، قضا و بلا

این جارو از این خانه دور شود.

کودکان هم در پشت بام جمع می‌شدند و ضمن خوردن نخود، کشمش و آجیل، بازی می‌کردند و از روی آتش به این طرف و آن طرف می‌پریدند و با ترقه و فشفشه بر هیجان بازی می‌افزودند.

● پنجشنبه آخر سال

مردم شیرین سو به پنجشنبه آخر سال «ایلین آخیر آدین سی» (ilin âxir âdin si) می‌گویند. از قدیم رسم بر این بوده است که برای پنجشنبه آخر سال، نان اردک، حلوا (معروف به بابا حلواسی^۱) و خرما تهیه می‌کردند.

1. bâbâ halvâsy

استقبال از سال نو و عید نوروز در شیرین سو کبودر آهنگ (همدان) ❖ ۱۶۱

در گذشته، بعد از ظهر پنجشنبه مردان در کنار باغچه‌های منتهی به قبرستان جمع می‌شدند و سه سفره روی زمین پهن می‌کردند تا مردم خیراتی را که آورده بودند، بر روی آن بگذارند. هر کس که به سمت قبرستان می‌رفت، نان اردک، حلوا یا خرمایی را که آورده بود، داخل سینی کوچک یا بشقابی در سفره‌ها می‌گذاشت و یک دستمال تمیز از متقال روی آن می‌کشید.

سپس همه مردم در قبرستان کنار هم می‌ایستادند و فاتحه می‌خواندند و صلوات می‌فرستادند. به هنگام بازگشت نیز یکی یکی سر سفره‌ها می‌رفتند و افرادی که مسئول سفره‌ها بودند، خیرات جمع‌شده را تقسیم می‌کردند و در سینی‌ها می‌ریختند و به مردم می‌دادند. آنها هم خیرات را به خانه می‌بردند تا افراد خانه هم برای اموات، فاتحه بخوانند.

اگر خانه‌ای تازه متوفی داشت، مردم در برگشت از قبرستان، دسته‌جمعی به خانه آن فرد می‌رفتند و سه بار فاتحه می‌خواندند و به بازماندگان تسلیت می‌گفتند.

در صورتی که هوا مساعد نبود و بارندگی و سرما موجب اذیت می‌شد، مردم به جای قبرستان، در مسجد (پایین) جمع می‌شدند.

● عید نوروز

عید نوروز را بیوک بیرام (buyok bayrâm) یا ایل بیرامی (eyl bayrâmy) می‌گویند و از گذشته تا به حال مراسم این عید در این منطقه برگزار می‌شود. چند روز پیش از عید، زنان در بشقاب‌ها و ظرف‌های کوچک، از گندم، سبزه درست می‌کنند؛ به این ترتیب که گندم را خیس می‌کنند و در هوای مناسب قرار می‌دهند تا سبز شود، یا از عدس روی سفال‌ها و کوزه‌های کوچک سبزه تهیه می‌کنند. برای این کار، عدس را خیس می‌کنند، روی کوزه، پارچه

می‌کشند و عدس خیس‌کرده را روی آن می‌مالند تا بعد از چند روز رشد کند و سبز شود.

خانه‌تکانی نیز از دیگر مراسم عید است. مردم خانه‌هایی که از خشت و گل بود را با محلولی از خاک سفید و آب به نام لووا (lovâ) و با تکه‌ای از پارچه سفید می‌کردند و خانه‌های گچکاری شده و نقاشی شده امروزی را هم گردگیری می‌کردند. پخت انواع شیرینی و خرید لباس نو نیز در این ایام انجام می‌گرفت.

افرادی هم که می‌خواستند به مسافرت و زیارت بروند، مقدمات سفر را فراهم می‌کردند. افرادی که طلب یا بدهی داشتند، سعی می‌کردند تا قبل از سال نو تسویه کنند و برای سال جدید بدهی نداشته باشند.

● علفه (alafa)

آخرین روز سال را روز عرفه یا علفه می‌نامیدند. در این روز، زنان مشغول پخت و پز نان فطیر و اردک می‌شدند و تمام اعضای خانواده به حمام می‌رفتند و لباس تمیز و مرتب می‌پوشیدند و می‌گفتند: «در روز عید حداقل باید یک تگه پوشاک نو پوشید».

● عیدی یا پای (pâyi)

شب عید برای تازه‌عروس‌ها عیدی می‌بردند. همچنین پدر و مادرها برای دخترانشان و برادران برای خواهرانشان هدیه‌ای به عنوان عیدی تهیه می‌کردند. معمولاً بچه‌های کوچک خانه برای عیدی بردن انتخاب می‌شدند. عیدی، خلعت^۱، شیرینی، حنا و مقداری شکلات، آجیل و نان اردک بود که امروزه جای آنها را پول نقد و طلا گرفته است. کسی که عیدی را می‌برد، آن را داخل

۱. به معنی پارچه ظریفی است که معمولاً ۲ الی ۳ متر باشد.

سینی یا زنبیل دستی می گذاشت و به خانه فرد مورد نظر می رفت و بعد از پذیرایی با شیرینی و چای، عیدی را تقدیم می کرد. صاحبخانه هم سینی یا زنبیل را خالی می کرد و به جای آن، یک جفت جوراب یا پیراهن می گذاشت و به آورنده هم هدیه ای می داد. اگر آورنده عیدی، پسر بود به او تخم مرغ می دادند و اگر آورنده عیدی، دختر بود، به او آینه و صابون می دادند. عیدی یا پای بردن برای تازه عروس ها با عیدی بستگان تفاوت داشت. خانواده های عروس و داماد از اقوام خودشان برای عیدی بردن دعوت می کردند. خانواده داماد بعد از شام، عیدی عروس را به خانه اش می بردند. در این رسم، علاوه بر خانواده داماد، سایر بستگان حاضر در مراسم نیز برای عروس عیدی می بردند. عیدی شامل طلا، پارچه، میوه، اردک یا فطیر، آجیل، تنقلات، مواد شوینده، روغن و برنج، حنا و شیرینی بود که آنها را در چندین مجموعه می گذاشتند و روی آن سرپوش قرمز یا رنگی می کشیدند. آنگاه دختران جوان آنها را بر سر می گرفتند و با شادی به طرف خانه عروس حرکت می کردند. در خانه عروس هم با اسپند از آنان استقبال می شد و بعد از پذیرایی با شیرینی و چای و مبارکباد گفتن، یک نفر عیدی ها را به مهمانان زن نشان می داد و اهداکننده آن را نیز معرفی می کرد. مادر عروس هم به عنوان خلعتی، پارچه یا پیراهن یا زیرپوش مردانه یا جوراب به عیدی آورندگان می داد. بعد از مراسم، هر کس به خانه خود می رفت.

● شال اندازی

رسمی که در شب اول عید نوروز در گذشته رایج بود - امروزه هم کم و بیش برگزار می شود - شال سالما (ksalləmə) به معنی شال اندازی بود. این مراسم شب چهارشنبه و شب عید برگزار می شد و مردم آن را خوش یمن می دانستند.

پسران جوان، شال پشمی را که مردان به کمر می‌بستند، برمی‌داشتند و به پشت‌بام خانه‌ها می‌رفتند. در گذشته، بام بیشتر خانه‌های شیرین‌سو، به صورت گنبد بود و بالای گنبد، روزنه‌ای به نام پاچا (pâjâ) برای خروج دود تنورها تعبیه می‌کردند. شال‌اندازها، شالشان را از این روزنه به داخل خانه می‌انداختند. در این شب، پشت‌بام‌ها شلوغ بود و ممکن بود از هر روزنه‌ای یک الی دو شال پایین بیاید. صاحب‌خانه سعی می‌کرد صاحب شال را بشناسد تا اگر از بستگان نزدیک است، انعام خوبی به او بدهد. صاحب شال هم خود را مخفی می‌کرد تا صاحب‌خانه او را نشناسد.

صاحب‌خانه مقداری شکلات، کشمش یا توت و یک تخم‌مرغ رنگی یا مقداری پول یا سکه به شال می‌بست و می‌گفت:

چک آلاه مطلبین ورسن چک آلاه مطلبین ورسن
كچك آلاه مطلبین ورسن

بکش که خدا مرادت را بدهد.

شال‌انداز نیز شال را بالا می‌کشید و به پشت‌بام خانه دیگری می‌رفت. در این شال‌اندازی به دلیل نامعلوم بودن صاحب شال، خیلی مواقع اشتباهی انعام خوب را به افراد غریبه می‌دادند.

• بیرام‌لیخ یا عیدانه (bayrâmlix)

در عید نوروز در تمام خانه‌ها، عیدانه یا بیرام‌لیخ تهیه می‌کردند تا با آن از مهمانان پذیرایی شود. در گذشته، عیدانه شامل اردک، فطیر، شیرینی، تخم‌مرغ رنگی، نقل و شکلات، کشمش، نخود، انگور آونگ، انجیر، مویز، بادام، گردو، توت، سنجد و تخم کدو بود که داخل سینی یا مجمعه قرار می‌دادند و در مقابل مهمان‌ها می‌گذاشتند. امروزه علاوه بر خوردنی‌های فوق، سفره هفت‌سین هم پهن می‌کنند. هفت‌سین شامل سیر، سرکه، سنجد، سماق، سکه،

استقبال از سال نو و عید نوروز در شیرین سو کبودر آهنگ (همدان) ❖ ۱۶۵

سمنو و سبزه است. آینه، قرآن، شمع و تنگ ماهی قرمز هم در وسط سفره می گذارند. سفره عید در اتاقی برای پذیرایی از مهمانان تا سیزده عید گسترده است.

● تحویل سال

در گذشته به دلیل مشخص نبودن زمان دقیق تحویل سال، روز اول بهار را با عید شروع می کردند. بعدها با آمدن رادیو و تقویم، ساعت دقیق تحویل سال معلوم شد.

در هنگام تحویل سال، تمام اعضای خانواده کنار سفره عید می نشینند و به رادیو یا تلویزیون گوش می کنند و مشغول خواندن قرآن یا دعا می شوند و دعای «یا مقلب القلوب و الابصار...» را زمزمه می کنند.

با تحویل سال، ابتدا کوچک ترها دست پدر و مادر و بزرگ ترهای خانواده را می بوسند و بزرگ ترها هم صورت کوچک ترها را می بوسند و عید را به یکدیگر تبریک می گویند.

بزرگ خانه هم اسکناس هایی را که داخل قرآن قرار داده است، به عنوان عیدی به کوچک ترها می دهد. مردم سکه گرفتن در عید را با برکت می دانند. بویژه اولین سکه را نگه می دارند تا در ایام سال برکت مال شان باشد.

● روز اول عید: دید و بازدید یا گوروشمه (gorošma)

در نخستین روز سال، ابتدا کوچک ترها به دیدن بزرگ ترها می روند و بعد از پذیرایی از صاحب خانه عیدی دریافت می کنند. معمولاً عیدی بزرگ ترها، جوراب و عیدی کوچک ترها، پول است. در قدیم، پول عیدی، ۱۰ شاهی تا یک ریال بود و به مردان هم جوراب پشمی می دادند، اما امروزه به جای آن، به پسرها جوراب یا زیرپیراهن و همچنین تخم مرغ و به دختران آینه و صابون می دهند. به تازه عروس و دامادها هم خلعت می دهند.

از دیگر آداب روز اول عید، رفتن به دیدار خانواده شهدا و افراد مریض است. همچنین دیدار از خانواده‌هایی که کسی را از دست داده‌اند و عزادار هستند، از دیگر رسوم این روز به شمار می‌رود؛ بویژه خانواده‌های عزاداری که در این عید، نوعید یا قره بیرام (qara bayrâm) دارند. وقتی مردم به دیدار این خانواده‌ها می‌روند، سال نو و عید را تبریک می‌گویند و در گفتگوها به خانواده متوفی می‌گویند:

şadilix bayrâmy eyliyez

شادلیخ بیرامی ایلی یز

عید شادی کنید

یا انشاءالله به سفر مکه بروید و بچه‌هایتان عروسی کنند.

دید و بازدیدها تا سیزده نوروز ادامه می‌یابد و تمام فامیل به خانه یکدیگر می‌روند.

دید و بازدیدها در عید ابتدا از خانه پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و سپس عمو، دایی، عمه و خاله شروع می‌شود. بعد به همین ترتیب، به دیدار همه اقوام می‌روند و در هفته اول تمام همسایگان و فامیل درجه یک را می‌بینند و بقیه روزها تا روز سیزدهم به صورت متفرقه دید و بازدیدها را انجام می‌دهند. مردم شیرین‌سو، در دید و بازدیدها این گونه به همدیگر تبریک می‌گویند:

bayrâmiz mobârak olsun

بیرامیز مبارک السون

عیدتان مبارک باشد

fasle bâhâriz mobârak olsun

فصل باهاریز مبارک السون

فصل بهارتان مبارک باشد

taza iliz mobârak olsun

تزه ایلیز مبارک السون

سال نوتان مبارک باشد

● سیزده نوروز

در این روز، اگر هوا مساعد نباشد و باران و باد بیاید، مردم در منزل یا پشت‌بام‌ها یا در محل‌های سرپوشیده، سیزده‌بدر را انجام می‌دهند. اما اگر هوا خوب باشد، صبح اول وقت مردم به اتفاق خانواده برای گذراندن سیزده نوروز، راهی دشت و دمن می‌شوند. در گذشته با اسب و الاغ یا پیاده به یاستی داغ (yâsti dâq) و دامنه کوه ساری قیه (sâri qayeh) می‌رفتند و فرش پهن می‌کردند و اجاق، منقل یا سماور روشن می‌کردند و بعد از صرف ناهار که اغلب رشته‌پلو بود به سیر و سیاحت می‌پرداختند. سپس از کوه پایین می‌آمدند و به نشانگاه (ne 9ngah) می‌رفتند و زیارت می‌کردند و نذری می‌دادند.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی